







هریک از دخترها را با استفاده از رابطه ترکیب وزنی نوشته بود.^۱ آن جدول چیزی شبیه جدول زیر بود:

ظاهر	شخصیت	جذابیت	تحصیلات	شغل	ثروت	خانواده	مجموع
	۷	۳	۸	۲	۲	۵	۱۱۲
	۴	۸	۴	۸	۵	۲	۱۷۲
	۵	۴	۵	۴	۵	۴	۱۲۶
	۸	۱	۸	۱	۱	۷	۹۵
	۳	۲	۴	۱	۱	۳	۶۸
	۴	۷	۳	۶	۷	۳	۱۶۰

عددی که در ستون آخر نوشته شده است امتیاز کلی آن گزینه را نشان می‌دهد. از نظر منطقی، دختر شماره دو، که بیشترین امتیاز را در مجموع کسب کرده بود، باید همسر آینده کومار می‌شد و این همان چیزی بود که من از مهندسی مانند کومار انتظار داشتم. اما وقتی درباره ملاقاتش با این دخترها بیشتر توضیح داد، خودش متوجه شد که این فرایند برخلاف چیزی که تظاهر می‌کرد چندان هم منطقی پیش نرفته است. دو عامل بود که این فرایند را از انتخابی عینی کاملاً دور می‌کرد: اول اینکه

۱. به این روش رتبه‌بندی گزینه‌ها مجموع وزنی ساده (Simple Additive Weighting) گفته می‌شود، که یکی از رایج‌ترین روش‌ها در زمینه تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) است.